



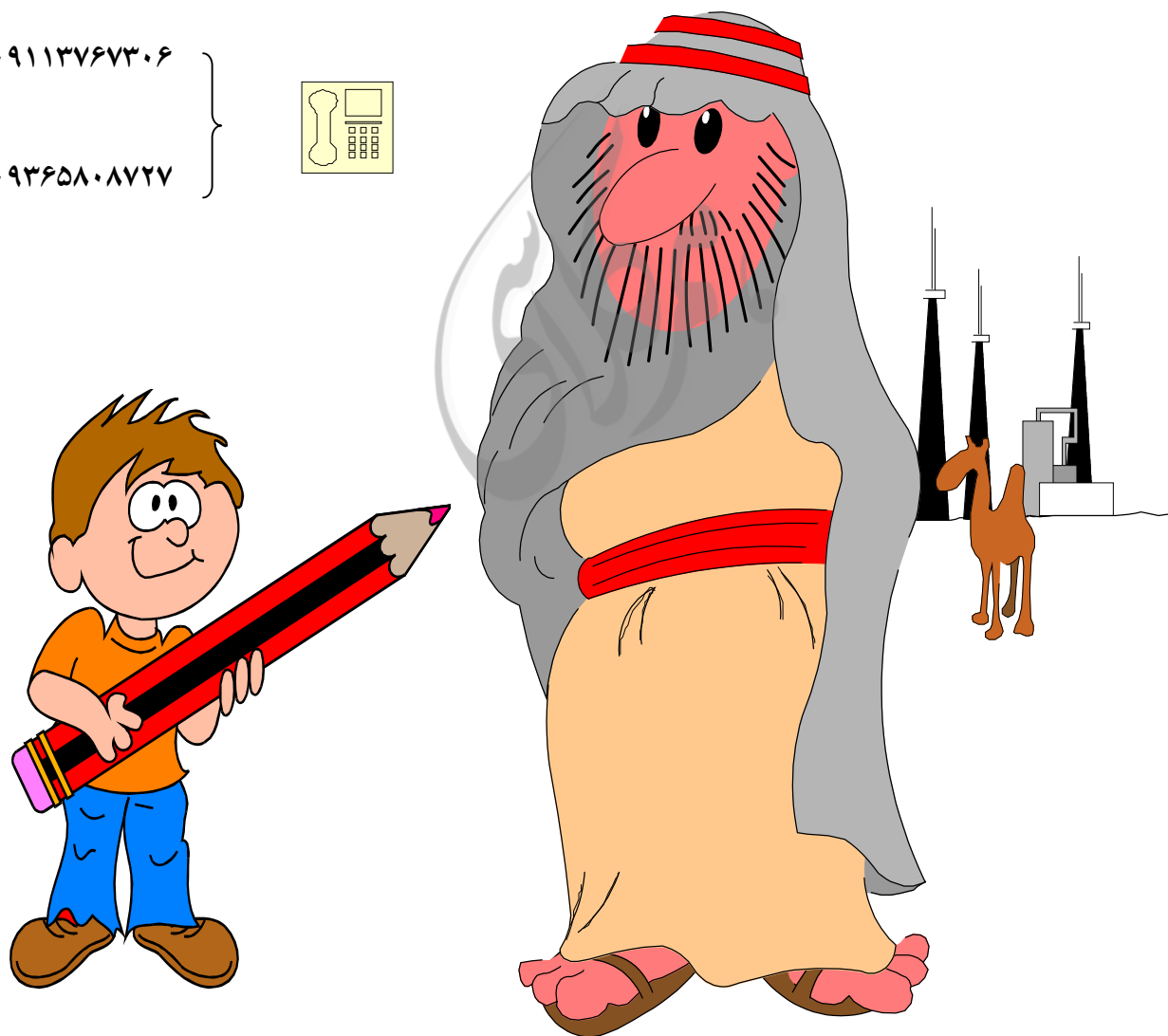
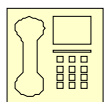
هم کلاسی
Hamkelasi.ir

کتابخانه علمی و ریاضی

تهیه و تنظیم: ابوالفضل مظهری

۰۹۱۱۳۷۶۷۳۰۶

۰۹۳۶۵۸۰۸۷۲۷



هرگونه چاپ، تکثیر، نسخه و نکته برداری و... بدون اجازه مؤلف شرعاً حرام است !!!

جدول صرف فعل های ماضی و مضارع ثلاثی مجرد و ضمایر متصل و منفصل

جنس	تعداد	شماره صیغه	ضمیر منفصل	معنی ضمیر منفصل	فعل ماضی	فعل مضارع	ضمیر متصل	معنی ضمیر متصل
فَاعِلٍ	مذكر	مفرد	۱	هُوَ	آن مرد	فَعَلَ	يَفْعَلُ	هَ - او
		مثنی	۲	هُمَا	آن دو مرد	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	هُمَا - شان - آندو
		جمع	۳	هُمْ	آن مردان	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	هُمْ - شان - آنها
	مؤنث	مفرد	۴	هِيَ	آن زن	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	هَا - او
		مثنی	۵	هُمَا	آن دو زن	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	هُمَا - شان - آندو
		جمع	۶	هُنَّ	آن زنان	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	هُنَّ - شان - آنها
مُخَاطَبٍ	مذكر	مفرد	۷	أَنْتَ	تو یک مرد	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	كَ - ت - تو
		مثنی	۸	أَنْتُمَا	شما دو مرد	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما - تان - شما
		جمع	۹	أَنْتُمْ	شما مردان	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	كُم - تان - شما
	مؤنث	مفرد	۱۰	أَنْتِ	تو یک زن	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	كِ - ت - تو
		مثنی	۱۱	أَنْتُمَا	شما دو زن	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما - تان - شما
		جمع	۱۲	أَنْتُنَّ	شما زنان	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	كُنَّ - تان - شما
مُتَكَلِّمٍ	مذكر و مؤنث	وحده	۱۳	أَنَا	من	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	أَ - م - من
		مع الغير	۱۴	نَحْنُ	ما	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	نَا - ما

توجه) به ضمایری که در این صفحه با اندازه‌ی بزرگتر و متفاوت نوشته شده‌اند ، ضمایر متصل رفعی می‌گویند و اگر در جایی از این جزوه ، (ضمایر قرمز رنگ) دیدید ، منظور همین ضمایر هستند . پس فقط دور آن‌ها خط قرمز بکشید تا اشتباه نکنید .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

(اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ) (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد .

أَنْجُمٌ : ستارگان « مفرد : نجم »	مَنْ ذَا : این کیست ؟	قُلْ : بگو
أَنْزَلَ : نازل کرد	ذَاكَ : آن	مُسْتَعْرَةً : فروزان
أَنْعَمَ : نعمت‌ها	ذُو، ذات : دارای	مُنْهَمَرَةً : ریزان
أَوْجَدَ : پدید آورد	زَانَ : زینت داد	نَضْرَةً : تر و تازه
بَالِغٌ : کامل	شَرَرَةً : اخگر (پاره‌ی آتش)	نَمَتَ : رشد کرد «مؤنثِ نما»
جَذْوَةً : پاره‌ی آتش	ضِيَاءٌ : روشنایی	نَفْسٍ -- جمع -- «أنفاس
دُرَرٌ : مرواریدها (مفرد: دُرّ)	غُصُونٌ : شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)	نَفْسٍ -- جمع -- «أنفس
ذَا: این ← هذا	غَيْمٌ : ابر (مترادف : سَحَاب)	يُخْرِجُ : در می آورد

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

او (آن) یقیناً (همان) خداوند است ... = او یقیناً خداوند است .
 أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةِ^۱

به آن درخت که دارای شاخه‌های تر و تازه است ، نگاه کن .

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد ؟

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس [خالقش را] بجو و بگو : چه کسی از آن میوه در می آورد (پدید می آورد) ؟
 وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً

و به خورشیدی که پاره‌ی آتش آن فروزان است نگاه کن .

^۱ - شاعر این شعر معروف الرّصافی شاعری اهل عراق از پدری کرد نسب و مادری ترکمن است، او آثار زیادی در نثر و شعر دارد.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

[خورشیدی که] روشنایی در آن است و به وسیلهی آن حرارتی پراکنده می شود .

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند اخگر (پاره‌ی آتش) به وجود آورده است ؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ بِهِ مِنْهُمْ

او یقیناً خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است .

ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ وَقُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَةٍ

[خداوندی که] صاحب حکمتی کامل و نیرویی توانمند است .

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است ؟

وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالذُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد ؟

وَانْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد ؟

در گروه های دو نفره، شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید .

حوارات (التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفت و گوها (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائر مَرَقَدِ امیرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
زیارت کننده‌ی آرامگاه امیر مؤمنان علی - که بر او درود باد -	یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
سلام بر شما	و سلام و رحمت خداوند و برکاتش بر شما [باد].
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النَّوْرِ وَالسُّرُورِ.
صبح شما به خیرای برادرم .	صبح شما نورانی و [همراه] با شادمانی باد .
كَيْفَ حَالُكَ ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ ؟
حالت چطوریه ؟	من خوبم ، و تو چطور ؟
بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ .	عَفْوًا ، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟
من خوبم و سپاس از آن خداست .	بیخشید ، از کجایی (اهل کجایی) ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ .	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ ؟
من از جمهوری اسلامی ایران هستم .	اسم شریف چیست ؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.
اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست ؟	اسم عبد الرحمان (بنده‌ی خداوند بخشنده) است .
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ .
آیا تاکنون به ایران مسافرت کرده‌ای ؟	نه ؛ متأسفانه . ولی من دوست دارم مسافرت کنم .
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؛ إِلَى اللَّقَاءِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ .
اگر خداوند بخواهد به ایران مسافرت می کنی !	اگر خداوند بخواهد ؛ به امید دیدار ؛ به سلامت .
فِي أَمَانٍ اللَّهُ .	فِي أَمَانٍ اللَّهُ وَحِفْظِهِ ، يَا حَبِيبِي .
در امان خداوند	در امان و پاسداشت خداوند ، ای دوست من .

راههای شناخت فعل (برای شناخت فعل باید :

۱ - وزنهای فعلهای مختلف را از روی جدول صرف فعلها خوب یاد بگیریم . با این جدول و انواع آن در مبحث انواع فعل در صفحات بعد آشنا خواهیم شد .

۲ - اگر قبل از کلمه‌ای حروف (قَدْ - لَمْ - سَ - یا سَوْفَ) بیاید آن کلمه حتماً فعل است .

قَدْ / لَمْ / سَ / سَوْفَ + کلمه --- « حتماً فعل است . »

مانند :

- * قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . *

بدون شک مؤمنان رستگار شده‌اند .

فعل

راههای تشخیص اسم :

برای شناخت اسم لازم است که معنای کلمه را بدانیم اما اگر کلمه‌ای فقط یکی از نشانه‌های زیر را دارا باشد آن کلمه حتماً اسم است :

۱ - داشتن (ال)^۲ : مانند : الصَّالِح (نیکوکار) - اللُّؤْلُؤُ (مروارید)

۲ - داشتن تنوین (ة)^۳ : مانند : حُكْمًا (دانش ، حکمت) - عَجُوزٌ (پیر)

نکته ۴) کلمه نمی تواند هم (ال) و هم تنوین (ة) داشته باشد . یعنی اگر (ال) داشت دیگر تنوین نمی گیرد و بالعکس^۴ .
الْعِلْمُ --- صحیح --- « الْعِلْمُ » (یا) عِلْمٌ (

۳ - داشتن (ة)^۵ : مانند : الرعاية (مراقبت) - والدة (مادر)

۴ - هر کلمه‌ای که بعد از حرف ندا ی (یا) بیاید : مانند : یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۵ - سه حرفی ساکن الوسط^۵ : فِكْرٌ - عِلْمٌ - بُعْدٌ - قَبْلٌ

۱ - البته (ال) باید طوری باشد که اگر آن را از کلمه جدا کنیم ، معنای آن کلمه تغییر نکند . مانند کلمات (الْحَقُّ : ملحق کن) و (إلزَمْ : پایبند باش) و (اِلْتَفَتَ : التفات و توجه کرد - رو کرد) که فعل هستند .

۲ - حرکات اصلی در زبان عربی عبارتند از : (َ) = فتحه (ِ) = کسره (ُ) = ضمه

انواع تنوین در زبان عربی : (ُ) = تنوین نصب (ِ) = تنوین جر (َ) = تنوین رفع

۴ - در صفحات بعد یاد می‌گیریم که کلماتی که « ال » دارند معمولاً معرفه‌اند و آنهایی که تنوین دارند معمولاً نکره هستند .

۵ - کلماتی نیز هستند که سه حرفی و ساکن الوسط هستند ولی اسم نیستند مانند : (لَيْسَ ، که از افعال ناقصه است) و (لَيْتَ ،

که از حروف مشبهة بالفعل است .)

۶- هر کلمه‌ای که مضاف واقع شود .

مضاف به معنی (اضافه شده) است . مانند کلمه‌ی (حاکم) در مثال‌های زیر :

الحاکمُ + المَدینةُ --- «حاکمُ المَدینةِ»
الحاکمُ + نا --- «حاکِمُنَا»

۷- هر کلمه‌ای که بعد از حروف جاره بیاید : مانند : ذَهَبْتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى الْبَيْتِ .

حروف جاره : بَاء (بـ) ، تاء (تـ) / کاف (کـ) ، لام (لـ) / واو (و) ، مُنْدُ / مُذُّ ، خَلَا
رُبُّ ، حَاشَا / مِنْ ، عَدَا / فِی ، عَنْ ، عَلٰی / حَتّٰی ، اِلٰی

نکته ۵ به هریک از حروف بالا (حرف جر) و به کلمه ی بعد از آن (مجرور به حرف جر) گفته می شود . به مجموع حرف جر و کلمه ی بعد از آن (جار و مجرور) گفته می شود .
مانند :

شَجَعَ النَّبِيُّ الْمُسْلِمِينَ عَلَى الصَّدَقَةِ .

حرف جر / مجرور به حرف جر

جار و مجرور

نکته ۶ تاکنون دو استفاده برای حروف جاره یاد گرفته ایم :

در صرف : حرف جر + کلمه --- « حتماً اسم است

استفاده حروف جاره

در نحو : حرف جر + کلمه --- « مجرور به حرف جر

غیر از ۷ مورد بالا ، کلمات زیر نیز در عربی اسم محسوب می شوند .

۸- اعداد : واحد (یک) - اثنان (دو) - ثلاث (سه) - أربع (چهار) - خمس (پنج) و ...

۹- تمام ضمائر : مانند : هُوَ ، هُمَا ، هُمْ ، هِيَ ، ...

۱۰- تمام اسامی اشاره : مانند : هَذَا ، هَذِهِ ، ذَلِكَ ، اُولَئِكَ ، ...

۱۱- تمام اسامی موصول : مانند : الَّذِي ، الَّتِي ، الَّذَانِ ، اللَّذَيْنِ ، الَّذِينَ ... مَنْ ، مَا

۱۲- اسامی استفهام : مانند : أَيْنَ (کجا) ، مَتَى (چه وقت) ، كَمْ (چه تعداد) ، ...

۱۳- اسامی شرط : مانند : مَنْ (هر کس) ، مَا (هر چیز) ، أَيْنَمَا (هر جا) ، ...

۱۴- اسم شهرها ، کشورها ، افراد : مانند : سیامک ، طهران ، ایران

۱۵- مصدرها : مانند : حُسْنُ (زیبایی) - تَكْرِيمُ (گرامی داشتن)

۱۶- کلماتی که مکان یا زمان را نشان می دهند : مانند : عِنْدَ (نزد) - مَعَ (با ، همراه) - جَنْبَ (کنار) - قَبْلَ (بعد) - أَمَامَ (روبرو

، مقابل) و ... (مراقب باشید : « مَعَ » و « عِنْدَ » حرف نیستند .)

مُضَاف و مُضَافٌ إِلَيْهِ^۶

اگر دو کلمه در کنار هم باشند و کلمه ی اول به کلمه ی دوم اضافه شده باشد ، به کلمه ی اول مضاف (اضافه شده) و به دومی مضافٌ إِلَيْهِ گفته می شود . مانند :

کتابُ اللَّهِ (کتاب خداوند) کتابُکُم (کتاب شما)
مضاف مضاف إِلَیه مضاف مضافٌ إِلَیه

مُضَاف و مُضَافٌ إِلَیه از نظر معنا (در زبان فارسی)

در زبان فارسی خواننده اید که مضاف و مضافٌ إِلَیه دو اسم هستند که اولی به دومی اضافه شده است و بین آن دو نقش نمای اضافه (—) یا صامت یا حرف میانجی (ی) آمده است . خودکارِ من - معلّمِ مدرسه‌ی ما
فرمول‌های تشخیص مضاف و مضافٌ إِلَیه :

الف - اسم + اسم : خانه‌ی حسین - درِ خانه

ب - اسم + ضمیر : خانه‌ی او - ماشینِ ما

ج - ضمیر مشترک (خود - خویش - خویشتن) + ضمیر : خودِ او - خودِ مان

علاوه بر موارد بالا ، موارد زیر نیز به شما کمک می کند تا مضاف و مضافٌ إِلَیه را از موصوف و صفت تشخیص دهید :

۱ (مضاف + مضافٌ إِلَیه ---- » دو کلمه با هم یک معنا را می دهند . کتابِ خدا (قرآن)

۲ (مضاف ، مضاف إِلَیه + است . --- » جمله دارای معنای درستی نیست .

موصوف ، صفت + است . --- » جمله دارای معنای درستی است .^۷

در ، اتاق است . (بی معنا) گل ، زیبا است . (معنا دار)

۳ (مضافٌ إِلَیه معمولاً در خارج از ذهن ما وجود دارد .

صفت‌ها در خارج از ذهن ما وجود ندارند . مانند : زشت - زیبا - بزرگ - کوچک

۴ (صفت + (تر ، ترین) زیبا --- » زیباتر ، زیباترین

۵ (موصوف + ی نکره + صفت گلی زیبا - درختی بلند - دوستی باوفا

^۶ - جای این بحث اینجا نیست ولی از آنجایی که هر کلمه که مضاف واقع شود اسم است ، این بحث در اینجا آورده شده است .

^۷ - چون (مضاف ، مضاف إِلَیه) و (موصوف ، صفت) معمولاً با هم اشتباه گرفته می شوند ، این دو را با هم مقایسه کرده ایم .

مضاف و مضاف‌إلیه در زبان عربی

اسم + اسم مجرور (—) : کتابُ الله
 اسم + ضمیر متصل (هُ - هُما - هُم - ها - هُما - هُنَّ ، ...) : کتابُهُ
 مضاف و مضاف‌إلیه

۱) مضاف (ال) نمی گیرد . ۲) مضاف تنوین نمی گیرد .

۳) اسامی مثنی (ان - ین) و جمع مذکر سالم (ون - ین) اگر مضاف واقع شوند (ن) آخر آنها حذف می شود .

المُعَلِّم + المدرسة = مُعَلِّمُ المدرسة

المُعَلِّمُون + المدرسة -- -- «مُعَلِّمُو المدرسة»

مُعَلِّم + المدرسة = مُعَلِّمُ المدرسة

(ال) هم تنوین پرونه

تنوین (ال) می پرونه

مضاف هرسه^۱ پرونه

مضاف (ن) می پرونه

أَخَوَيْنِ + كُمْ -- -- «أَخَوَيْكُمُ»

مُمرَّضَاتُ + المُستَشْفَى -- -- «مُمرَّضَاتُ المُستَشْفَى»

المُسْلِمِينَ + الْعَالَمِ -- -- «مُسْلِمِي الْعَالَمِ»

دَارَيْنِ + كُمْ -- -- «دَارَيْكُمُ»

۴) مضاف‌إلیه از نظر اعرابی^۲ همیشه مجرور (—) است . مانند :

يَوْمَ الْعَدْلِ

مضاف‌إلیه و مجرور

يَدُ اللَّهِ

مضاف‌إلیه و مجرور

نکته ۷) تاکنون یاد گرفته ایم که اسم در دو حالت مجرور (—) می شود :

یکی وقتی که بعد از حروف جارّه بیاید . مانند : جَاهِدْ أُوَيْسُ فِی مَعْرَكَةٍ .

حرف جر مجرور به حرف جر

و دیگری وقتی نقش مضاف‌إلیه را داشته باشد . مانند : الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ .

مضاف‌إلیه و مجرور

اسم مجرور

۱ - کلمه ای که مضاف واقع می شود (ال - تنوین - « ن » مثنی و جمع) نمی گیرد .

۲ - کلمات با توجه به نقش و جایگاه خود حرکاتی را می پذیرند . این حرکات بر روی حرف آخر کلمه ظاهر می شود . مثلاً فاعل ، نائب فاعل ، مبتدا ، خبر همیشه مرفوع هستند و مفعول به همیشه منصوب است .

تقسیم اسم از لحاظ تعداد (مفرد - مثنی - جمع)

مفرد: اسمی است که بر یک نفر یا یک چیز دلالت می کند .

مثنی: اسمی است که بر دو نفر یا دو چیز دلالت می کند .

جمع: اسمی است که بر بیشتر از دو نفر یا دو چیز دلالت می کند .

اسم	مذكر	مفرد	—	مُعَلِّم
		مثنی	ان - ین	مُعَلِّمان - مُعَلِّمَین
		جمع	ون - ین	مُعَلِّمونَ - مُعَلِّمَین
	مؤنث	مفرد	ة	مُعَلِّمة
		مثنی	تان - تین	مُعَلِّمتان - مُعَلِّمَتَین
		جمع	ات	مُعَلِّمات

با استفاده از جدول بالا می توانید (مفرد ، مثنی ، جمع) بودن و نیز (مذكر ، مؤنث) بودن یک اسم را تشخیص

دهید^۱ . همچنین با حذف و اضافه کردن نشانه‌ها ، یک اسم را تبدیل به اسم دیگر نمایید . مانند :

المُسَلِّمونَ --- «جمع مذكر سالم المُرَضَّات --- «جمع مؤنث سالم

☀ دقت کنید !!! در هنگام تبدیل جمع یا مثنی مؤنث به مفرد، باید مفرد مؤنث آن را ذکر کنیم .

مُعَلِّمتان --- مفرد --- «مُعَلِّمة
مُعَلِّمات --- مفرد --- «مُعَلِّمة

^۱ - با کمک این جدول همچنین می توان صیغه های فعل که به زبان عربی نوشته می شوند را به زبان فارسی تبدیل کرد .

مانند : للغائبة --- «مفرد مؤنث غائب للمخاطبات --- «جمع مؤنث مخاطب للغائب --- «مفرد مذكر غائب

للمخاطباتین --- «مثنی مؤنث غائب للغائبین --- «مثنی مذكر غائب للمخاطباتین --- «مثنی مذكر مخاطب

انواع اسمهایی که بر جمع دلالت دارند

در عربی سه دسته اسم بر جمع بودن دلالت دارند که عبارتند از :

۱- جمع مذکر سالم ۲- جمع مؤنث سالم ۳- جمع مکسر

۱- جمع مذکر سالم) با اضافه کردن (و ن - ی ن) به موارد زیر ساخته می شود :

الف - اسم افراد مذکر	مانند :	مُحَمَّدٌ --- «مُحَمَّدُونَ - مُحَمِّدِينَ»
ب - صفت افراد مذکر	مانند :	عَالِمٌ (دانا) --- «عَالِمُونَ - عَالِمِينَ»

۲- جمع مؤنث سالم) با اضافه کردن (ات) به موارد ذیل ساخته می شود :

الف - اسم زنان	فاطمة --- «فاطمات»
ب - اسم های دارای (ة) تأنیث	تلميذة --- «تلميذات»
ج - اسم های غیر عربی	تلفزيون --- «تلفزيونات»
د - مصدرهای عربی بیش از ۳ حرف	إحسان --- «إحسانات» جريان --- «جریانات»

۳- جمع مکسر) با دقت در اسمهایی که بر جمع مذکر و جمع مؤنث سالم دلالت می کنند ، متوجه خواهیم شد که این گونه اسمها (جمع های سالم) با اضافه کردن نشانه هایی به آخرشان ساخته می شدند و با حذف این نشانه ها از آخر آنها مفردشان بدست می آید . ولی بعضی اسمها هستند که بر جمع دلالت دارند ولی قاعده خاصی برای ساختن آنها وجود ندارد و یاد گیری آنها اصطلاحاً (سماعی = از راه شنیدن) است . مانند :

مدارس : مدرسة	علوم : علم	أركان : ركن	مفاتيح : مفتاح (کلید)
عباد : عبد (بنده)	مساجد : مسجد	علماء : علیم	أيام : يوم
غیوب : عیب	شهداء : شهید	كتب : کتاب	أصوات : صوت

با دقت در مفرد این گونه جمعها در می یابیم که در هنگام جمع بستن ، حالت مفرد تغییراتی کرده است و شکل و ترتیب قرار گرفتن حروف درهم ریخته است لذا به این گونه از جمعها جمع مکسر (شکسته شده) گفته می شود .

تمرین (أنظر الجدول التالية :

مفرد مذکر	مثنی مذکر	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	جمع مؤنث
شاهد	شاهدان شاهدين	شاهدون شاهدين	شاهدة	شاهدتان شاهديتين	شاهدات

تمرین (انظر الجدول التالية :

مفرد	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث	جمع مؤنث سالم	مفرد	جمع مكسر
مؤمن	مؤمنون - مؤمنين	مُؤمِنَة	مسلمات	صوت	أصوات
صابر	صابرون - صابرين	صاحبة	صالحات	صديق	أصدقاء
مظلوم	مظلومون - مظلومين	عالمَة	عالمات	بيت	أبيات
ناجح	ناجحون - ناجحين	فائزة	فائزات	مجنون	مجانين

نکات تکمیلی :

نکته ۱) برخی از کلمات با اینکه آخرشان (ات) دارد اما جمع مؤنث سالم نیستند .

مانند : أصوات (جمع صَوْت = صدا) / أموات (جمع مَيِّت = مرده) / أبيات (جمع بيت = دو مصرع)
أوقات (جمع وقت) / نكات (جمع نُكْتَة) / ميقات (مفرد است به معنی : وعده‌گاه ، وقت . جمعش مواقیت)

برای شناخت کافیس (ات) را از آخر این کلمات برداریم ، متوجه خواهیم شد که مفرد کلمه بدست نمی آید .

نکته ۲) برخی از کلمات با اینکه آخرشان (ون - ين) دارد اما جمع مذکر سالم یا مثنی نیستند .

مانند : قوانین (جمع مکسر کلمه قانون) شياطين (جمع مکسر کلمه شیطان)
مجانين (جمع مکسر کلمه مجنون : دیوانه) بساتين (جمع مکسر کلمه بستان)
مساکين (جمع مکسر کلمه مسکین : بیچاره) براهين (جمع مکسر کلمه برهان : دلیل ، حجت)

نکته ۳) برخی از کلمات دو جمع مکسر دارند . مانند :

أخ -- إخوة^۱ ، إخوان تلميذ -- تلاميذ ، تلامذة طالب -- طلاب ، طلبة

نکته ۴) کلمات زیر و مفردشان را به خاطر بسپارید :

حُكَمَاء --- حَكِيم عُلَمَاء --- عَلِيم أَكْبَر (بزرگتر) --- أَكْبَر كَبِير (بزرگ) --- كَبِير
حُكَّام --- حَاكِم عُلَّام --- عَالِم كَبِيرَة (گناه بزرگ) --- كَبَائِر

^۱ - گول ظاهر کلماتی مانند إخوة - فجرة - تلامذة - صحابة - كفرة - ملائكة - ورثة - رواة - دعاة - فضاة ... را نخورید این کلمات به ترتیب جمع مکسر کلمات (أخ - فاجر - تلميذ - صاحب - كافر - ملك - وارث - راوی - داعی - قاضی) هستند .

الملائكة بِحَمْدِ رَبِّهِمْ . (يَسْبَحُ - تَسْبَحُ - يُسَبِّحُونَ - يُسَبِّحْنَ)

نکته ۵) مفرد جمع مکسرهایی که بر وزن أفعلاء ساخته شده اند ، همیشه بر وزن (فَعِيل) می آید .

أصدقاء --- « صَدِيق أنبياء --- « نَبِيٌّ أولياء --- « وَلِيٌّ

نکته ۶) توجه فرمائید که مثنی کلمه (أَخْ : برادر) دو کلمه‌ی (أَخَوَانٍ و أَخَوَيْنِ) می باشد . و جمع مکسر

این اسم (إِخْوَةٌ و إِخْوَان) می باشد . إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ «أَخَوَيْنِ + كُمْ».

(فقط مؤمنان برادران «هم» هستند پس بین دو برادران را إِصْلَاح کنید «صلح و آشتی دهید» .)

نکته ۷) مثنی کلمه‌ی (أَب : پدر) دو کلمه‌ی (أَبَوَانٍ و أَبَوَيْنِ) می باشد و جمع مکسر آن (آباء) می باشد .

نکته ۸) اسامی مفرد مذکر بصورت (جمع مذکر سالم و جمع مکسر) و اسامی مفرد مؤنث بصورت

(جمع مؤنث سالم و جمع مکسر) جمع بسته می شوند .

طالب (مفرد مذکر) --- جمع --- طالبون ، طالبين / طُلَّاب

شجرة (مفرد مؤنث) --- جمع --- شجرات / أشجار

نکته ۹) بعضی از جمع مکسر ها از ریشه‌ی خود مفردی ندارند . مانند (نِساء - نِسْوَة - نِسْوان : زنان) که برای

مفرد آن‌ها از کلمه‌ی « اِمْرَأَة » استفاده می شود و کلمه‌ی (اِبِل : شتران) که برای مفرد آن از کلمه‌ی « جَمَل -

ناقة » استفاده می شود .

تمرین) به تجزیه‌ی اسم‌های ذیل ، دقت کنید .

۱) المَظْلُومِينَ : اسم ، جمع مذکر سالم ۲) أَيَّامٌ : اسم ، جمع مکسر (مفرد آن يَوْم)

۳) الصَّالِحُونَ : اسم ، جمع مذکر سالم ۴) العَاقِلَةُ : اسم ، مفرد ، مؤنث

۵) الأَرْكَان : اسم ، جمع مکسر (جمع رکن) ۶) المُسْتَمْعِينَ : اسم ، جمع مذکر سالم

۷) الطَّالِبِينَ : اسم ، مثنی مذکر ۸) الْمُؤْمِنَتَانِ : اسم ، مثنی مؤنث

۹) كُفَّار : اسم ، جمع مکسر (جمع کافر) ۱۰) الْغَائِبَتَيْنِ : اسم ، مثنی مؤنث

اسم از لحاظ جنسیت (مذکر . مؤنث)



مذکر حقیقی: به انسان یا حیوان نر دلالت دارد.

مانند: مُحَمَّد - الرَّجُل (مرد) - عَالِم (دانا) - دِیک (خروس) - خُرُوف (گوسفند نر) - الثَّور (گاو نر)

مذکر مجازی: اسمی که بر جنس نر دلالت ندارد ولی قواعد مذکر در مورد آن بکار برده می شود.

مانند: کتاب، قَمَر، بَیت، نَجم، کُکَب

مؤنث حقیقی: بر انسان یا حیوان ماده دلالت دارد. مانند: مَریَم - اُمّ (مادر) - دَجاجَة (مرغ)

مؤنث مجازی: اسمی که بر جنس ماده دلالت ندارد ولی قواعد مؤنث در مورد آن بکار برده می شود.

مانند: سَفینَة، صَحراء

مؤنث لفظی: اسم‌هایی هستند که نشانه های تأنیث (ة - اء - ی) را به همراه دارند.

مانند: بَقرة - مدرّسة، إمراة، فاطمة، حمزة، حمراء، خضراء، بُشری، دُنیا (دُنیا)، نَعبَة

مؤنث معنوی: اسم‌هایی هستند که نشانه های تأنیث (ة - اء - ی) را به همراه ندارند. ولی معنای آن‌ها بر

مؤنث دلالت می کند. مانند: بَنت (دختر) - ایران

نکته ۱) (ة - اء - ی) در صورتی نشانه مؤنث هستند که اگر این نشانه‌ها را از آخر کلمه برداریم سه حرف

اصلی باقی بماند.

کُبری - صحراء --- مؤنث هستند ماء - حياء - شفاء - جُحا - فَتی --- مذکر هستند

نکته ۲) اسامی (مُرتَضی - مُصطَفی - مُوسى - عيسى - إهداء - استعفاء - إنتهاء - إحناء)^۹ مذکر هستند.

^۹ - مصدرهای ثلاثی مزید باب‌های (إفعال - إفتعال - إستفعال)، مذکر هستند. چون همزه در این کلمات، حرفِ علّای بوده که تبدیل به همزه شده است. پس همزه جزء حروف اصلی آن‌هاست.

هدی «-- مصدر باب إفعال --» إهدای «---» إهداء

نهی «-- مصدر باب إفتعال --» إنتهای «---» إنتهاء

عفو «-- مصدر باب إستفعال --» إستعفاو «---» إستعفاء

نکته ۳) اسم مردانی که مؤنث لفظی محسوب می شوند در هنگام بکار بردن در جمله « مذکر » در نظر گرفته می شوند . یعنی (فعل ، ضمیر ، اسم اشاره ، اسم موصول ، صفت و حال) برای آن ها به صورت مذکر بکار می رود . مانند : جاءَ حمزةٌ . هوَ تلميذٌ ذكيٌ .

فعل	فاعل	مبتدا	خبر	صفت
مذکر	مؤنث لفظی	مذکر	مذکر	مذکر

- * - توجه داشته باشید که در تجزیه (بیان مشخصات کلمه در خارج از جمله) این کلمات مؤنث لفظی در نظر گرفته می شوند .

حمزة : اسم ، مفرد ، مؤنث لفظی ...
خليفة : اسم ، مفرد ، مؤنث لفظی ...

نکته ۴) برای جمع های غیر عاقل (غیر انسان) ، (فعل ، ضمیر ، اسم اشاره ، اسم موصول ، صفت ، حال) در داخل جمله به صورت مفرد مؤنث می آید .

فعل	فاعل و عطف بیان و به	صفت و به تبعیت	فعل ناقصه	اسم کان	مضاف الیه و	خبر کان و منصوب
(مفرد مؤنث)	مرفوع محلاً	تبعیت مرفوع	مرفوع محلاً	و مرفوع	مجرور محلاً	(مفرد مؤنث)

آن ایام که دقیقه هایش زیبا بود رفت (تمام شد) .

نکته ۵) برای بیان مذکر یا مؤنث بودن جمع های غیر عاقل (غیر انسان) در هنگام تجزیه (بیان مشخصات کلمه در خارج از جمله) مفرد کلمه ملاک می باشد . مانند :

الأيام : اسم ، جمع مکسر (مفرد آن يوم) ، مذکر مجازی
المساجد : اسم ، جمع مکسر (مفرد آن مسجد) ، مذکر مجازی
الآبيات : اسم ، جمع مکسر (مفرد آن بيت) ، مذکر مجازی
الآيات : اسم ، جمع مؤنث سالم (مفرد آن آية) ، مؤنث مجازی لفظی

فعل و انواع آن در زبان عربی

صیغُ الأفعال

بدانید (صیغه‌های فعل‌ها)

با نام گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی و عربی		ضمیر		ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	متکلم وحده	من	أنا	فَعَلْتُ	أَفْعُلُ		
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لَا تَفْعَلْ
	مفرد مؤنث مخاطب		أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لَا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ		
	مفرد مؤنث غایب		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ		
اول شخص جمع	متکلم مع الغير	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا
	جمع مؤنث مخاطب		أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
	مثنای مذکر مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
	مثنای مؤنث مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ		
	جمع مؤنث غایب		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
	مثنای مذکر غایب		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ		
	مثنای مؤنث غایب		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ		

فعل: کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا روی دادن حالتی در یکی از زمان‌های (گذشته - حال - آینده) دلالت می‌کند.

در عربی سه نوع فعل اصلی داریم:

۱- ماضی: که بر انجام کار در زمان گذشته دلالت می‌کند.

مانند: عَزَمَ (تصمیم گرفت / گذشته) ضَحِكُوا (خندیدند / گذشته)

۶ صیغه غائب: ذَهَبَ - ذَهَبَا - ذَهَبُوا - ذَهَبَتْ - ذَهَبْتَا - ذَهَبْتُمْ

۶ صیغه مخاطب: ذَهَبْتَ - ذَهَبْتُمَا - ذَهَبْتُمْ - ذَهَبْتِ - ذَهَبْتُمَا - ذَهَبْتُنَّ

۲ صیغه متکلم: ذَهَبْتُ - ذَهَبْنَا

۲- مضارع: که بر انجام کار در زمان های حال و آینده دلالت می‌کند.

مانند: يَخْسِرُ: (زبان می‌کند / حال و آینده) تَقْدِرِينَ (می‌توانی / حال و آینده)

Translate^۱ در ترجمه فعلهای مضارع معمولاً از (می ۰۰۰) استفاده می‌شود.

۶ صیغه غائب: يَذْهَبُ - يَذْهَبَانِ - يَذْهَبُونَ - تَذْهَبُ - تَذْهَبَانِ - يَذْهَبْنَ

۶ صیغه مخاطب: تَذْهَبُ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ - تَذْهَبَانِ - تَذْهَبْنَ

۲ صیغه متکلم: أَذْهَبُ - نَذْهَبُ

برای یاد گرفتن فعل های ماضی و مضارع به جدول صفحه بعد مراجعه نمایید.

۳- امر: که بر انجام کار در زمان های حال و آینده دلالت می‌کند.

مانند: اُتْرِكُوا (ترک کنید / حال و آینده) اِرْحَمُوا (رحم کنید / حال و آینده)

فعل امر بر طلب و درخواست انجام کاری (با حالت دستور یا خواهش) دلالت می‌کند.

۶ صیغه غائب: لِيَذْهَبْ - لِيَذْهَبَا - لِيَذْهَبُوا - لِيَذْهَبْ - لِيَذْهَبَا - لِيَذْهَبْنَ

۶ صیغه مخاطب: اِذْهَبْ - اِذْهَبَا - اِذْهَبُوا - اِذْهَبِي - اِذْهَبَا - اِذْهَبْنَ

۲ صیغه متکلم: لَأَذْهَبَ - لِنَذْهَبَ

^۱ - شکلهای مختلف یک فعل را صیغه می‌گویند. هر فعلی در زبان عربی ۱۴ صیغه (شکل صرفی) دارد.

^۲ - ترجمه کردن: از این قواعد در تبدیل فارسی به عربی و بالعکس استفاده نمایید.

جدول سنتی صرف فعل های ماضی و مضارع ثلاثی مجرد و ضمائر متصل و منفصل

جنس	تعداد	شماره صیغه	ضمیر منفصل	معنی ضمیر منفصل	فعل ماضی	فعل مضارع	ضمیر متصل	معنی ضمیر متصل
فعل مضارع ثلاثی مجرد	مفرد	۱	هُوَ	آن مرد	فَعَلَ	يَفْعَلُ	هُ	ش - او
	مثنی	۲	هُمَا	آن دو مرد	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	هُمَا	شان - آندو
	جمع	۳	هُمْ	آن مردان	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	هُمْ	شان - آنها
	مفرد	۴	هِيَ	آن زن	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	هَا	ش - او
	مثنی	۵	هُمَا	آن دو زن	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	هُمَا	شان - آندو
	جمع	۶	هُنَّ	آن زنان	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	هُنَّ	شان - آنها
مخاطب	مفرد	۷	أَنْتَ	تو یک مرد	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	كَ	ت - تو
	مثنی	۸	أَنْتُمَا	شما دو مرد	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما	تان - شما
	جمع	۹	أَنْتُمْ	شما مردان	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	كُم	تان - شما
	مفرد	۱۰	أَنْتِ	تو یک زن	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	كِ	ت - تو
	مثنی	۱۱	أَنْتُمَا	شما دو زن	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	كُما	تان - شما
	جمع	۱۲	أَنْتُنَّ	شما زنان	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	كُنَّ	تان - شما
متكلم	وحده	۱۳	أَنَا	من	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	ي	م - من
	مع الغير	۱۴	نَحْنُ	ما	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	نا	مان - ما

توجه) به ضمایی که در این صفحه با اندازه‌ی بزرگتر و متفاوت نوشته شده‌اند، ضمائر متصل رفعی می‌گویند و اگر در جایی از این کتاب، (ضمائر قرمز رنگ) دیدید، منظور همین ضمائر هستند. پس فقط دور آنها خط قرمز بکشید تا اشتباه نکنید.

از این جدول استفاده‌هایی زیادی خواهیم نمود که فقط به چند نمونه از آنها اشاره می‌نمائیم:

۱- با کمک جدول صفحه قبل می توانید صیغه یک فعل را تشخیص دهید .
مانند : ذَهَبُوا : فعل ماضی ، جمع مذکر غائب (رفتند) ذَهَبْتُمْ : فعل ماضی ، جمع مذکر مخاطب (رفتید)

۲- فعل + ضمیر قرمز رنگ^۱ مانند : خَرَجْتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ .
فاعل و مرفوع محلاً فعل فاعل و مرفوع محلاً حرف جر مجرور به حرف جر

۳- فعل + ضمیر متصل (هُ - هُما - هُمْ و ...) مانند : نَصَرَ كُـمُ اللهُ .
مفعول به و منصوب محلاً فعل م . به و منصوب محلاً فاعل و مرفوع

۴- اسم + ضمیر متصل (هُ - هُما - هُمْ و ...) مانند : كَتَبْتُ كُـمُ مَفْتُوحٌ .
مضاف إليه و مجرور محلاً مبتدا و مرفوع م . إليه و مجرور محلاً خبر و مرفوع

۵- اگر فعلی (از لحاظ تعداد و نوع قرار گرفتن حروف اصلی و زائد) دقیقاً مطابق جدول روبرو صرف شد ، معمولاً ثلاثی مجرد است و چنانچه حروف آن بیشتر از این الگو باشد ، ثلاثی مزید است .

يَكْتُبُونَ (يفعلون) ثلاثی مجرد يَتَكَلَّمُونَ (يَفْعَلُونَ) ثلاثی مزید

ذَهَبْنَا (فعلنا) ثلاثی مجرد أَرْسَلْنَا (-- فَعَلْنَا) ثلاثی مزید

۶- چنانچه صیغه‌های مختلف ثلاثی مزید را از ما بخواهند کافیهست یک فعل ساده ثلاثی مجرد (مانند : ذَهَبَ ، يَذْهَبُ) را صرف کنیم و تفاوت صیغه خواسته شده را با اولین صیغه ماضی و مضارع تشخیص دهیم و تغییرات را در صیغه خواسته شده اعمال نمائیم .

ذَهَبَ — صیغه ۹ — ذَهَبْتُمْ إِسْتَخْرَجَ — صیغه ۹ — إِسْتَخْرَجْتُمْ
ماضی ماضی

يَذْهَبُ — صیغه ۹ — تَذْهَبُونَ يَسْتَخْرِجُ — صیغه ۹ — تَسْتَخْرِجُونَ
مضارع مضارع

^۱ - ضمایی که در جدول صفحه قبل با فونت و سایز متفاوت مشخص شده اند ، در این کتاب بصورت قراردادی ضمیر قرمز رنگ

نامیده می شوند . (این ضمایر در عربی ضمایر متصل رفعی هستند .)

سه فعل ماضی ، مضارع ، امر فعل های اصلی هستند .

نوع فعل	ترجمه بصورت	حرکت حرف آخر در صیغه های بدون ضمائر متصل رفعی	مثال
ماضی	گذشته	—	ذَهَبَ - تَكَامَلَ - اسْتَخْرَجَ - تَعَلَّمَ
مضارع	حال و آینده (می + ...)	ُ	يَذْهَبُ - يَتَكَامَلُ - اسْتَخْرِجُ - يَتَعَلَّمُ
امر حاضر	حال و آینده	ْ	اِذْهَبْ - تَكَامَلْ - اسْتَخْرِجْ - تَعَلَّمْ

صیغه فعل

هر فعلی چهارده (۱۴) صیغه دارد که شش صیغه آن مربوط به غایب و شش صیغه ی آن مربوط به مخاطب و دو صیغه آن مربوط به متکلم می باشد .

۱۴ صیغه فعل }

 ۶ صیغه غائب -- « شخص یا کسانی که حاضر نیستند و ما از آن ها صحبت می کنیم .

 ۶ صیغه مخاطب -- « شخص یا کسانی که روبروی ما هستند و ما با آن ها صحبت می کنیم .

 ۲ صیغه متکلم -- « (گوینده) من ، ما

Translate (در جمله هایی که ضمائر (هُوَ ، هُمَا ، هُمْ ، هِيَ ، هُنَّ : آن - آن ها / این - این ها / او -

ایشان) داشته باشیم ، باید از صیغه های غائب استفاده کنیم .

Translate (در جمله هایی که ضمائر (أَنْتَ ، أَنْتُمَا و ... : تو - شما) داشته باشیم ، و یا جمله ی ما حالت

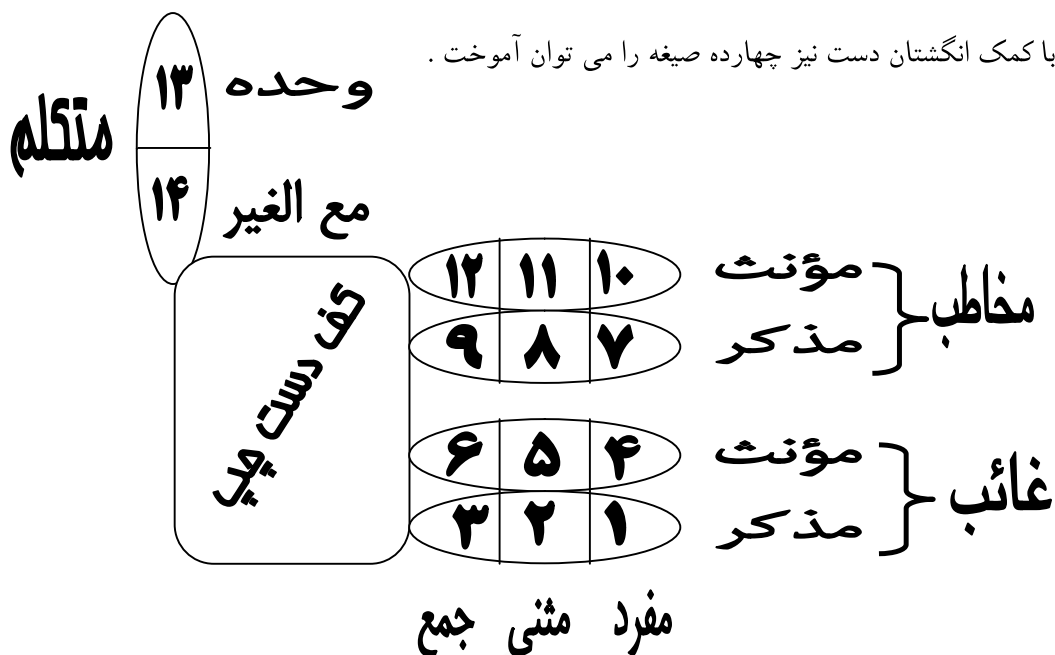
دعایی (خدایا ، پروردگارا = اَللَّهُمَّ) ، یا ندایی (ای = یا ... ، أَيُّهَا ... ، أَيَّتُهَا ...) داشته باشد و یا دارای

کلمات تعارف گونه مانند : (رَجَاءٌ : لطفاً) باشد ، باید از صیغه های مخاطب استفاده کنیم .

Translate (در جمله هایی که ضمائر (أَنَا ، نَحْنُ : من - ما) داشته باشیم ، باید از صیغه های متکلم استفاده

کنیم .

نمونه ی تستی (لماذا السَّمَكُ أَيُّهَا الصَّيَادُونَ ؟!) (لَا يَأْخُذُ - لَا يَأْخُذُونَ - لَا تَأْخُذُ - لَا تَأْخُذُونَ)



انواع فعل

۱- ماضی: این فعل انجام شدن کار را در زمان گذشته نشان می دهد . فعل های ماضی را می توان به صورت ماضی نقلی نیز ترجمه کرد . (ماضی نقلی زبان فارسی : بن ماضی + ه + فعل ربطی)
مانند : جَلَسَ : نشست / نشسته است

تذکره () اگر فعل ماضی معنای دعا بدهد ، معنی آینده (إستقبال) دارد . و معمولاً به صورت مضارع التزامی ترجمه می شوند . امور حتمی الوقوع مانند نشانه های برپایی قیامت و اوصاف خداوند متعال نیز در قرآن کریم معمولاً به صورت ماضی بیان شده اند ولی در ترجمه به صورت مضارع یا مضارع التزامی ترجمه می شوند .

سَاعِدَكَ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . خداوند تو را در دنیا و آخرت یاری کند .

﴿ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴾ * هنگامی که آسمان شکافته شود .

۲- فعل مضارع: این نوع فعل انجام کاری را در زمان حال یا آینده نشان می دهد .
مانند : يَكْتُبُ : حالا یا بعداً می نویسد

Translate () در ترجمه فعل های مضارع معمولاً از (می) استفاده می شود .

مانند : يُحِبُّ : دوست دارد ، دوست می دارد

۲- ترجمه کردن : از این قواعد در تبدیل فارسی به عربی و بالعکس استفاده نمایید .

تبدیل فعل ماضی به مضارع

برای تبدیل فعل ماضی به مضارع از الگوی زیر استفاده می کنیم :

$$\left. \begin{array}{l} \text{فعل ماضی} \\ \text{فعل مضارع} \end{array} \right\} \text{فَعْلٌ} \text{---} \text{« حروف مضارعة + ریشه فعل ماضی + ضمایر متصل به فعل + } \begin{array}{l} \text{ن} \\ \text{ن} \end{array}$$

مانند : ذَهَبَ --- يَذْهَبُ

اولین صیغه ماضی اولین صیغه مضارع

نکته در تبدیل فعل ماضی به مضارع توجه به نکات زیر ضروری است :

۱- حرکتی که در جلوی فعل ماضی گذاشته می شود (—) همان حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) مضارع است .

۲- صیغه فعل مضارع را با توجه به صیغه ماضی داده شده می نویسیم .

۳- توجه به جدول صرف فعلهای ماضی و مضارع در هنگام تبدیل خیلی مؤثر است .

۴- حرکت عین الفعل در فعلهای ماضی و مضارع ممکن است متفاوت باشد . مانند :

صیغه اول ماضی	صیغه اول مضارع	صیغه ۷ ماضی	صیغه ۷ مضارع
ضَرَبَ --- يَضْرِبُ	شَرِبْتُ --- تَشْرَبُ		

صیغه ۳ ماضی	صیغه ۳ مضارع	صیغه ۱۳ ماضی	صیغه ۱۳ مضارع
صَرَحُوا --- يَصْرُخُونَ	كَتَبْتُ --- يَكْتُبُ		

فَعْلٌ	يَفْعَلُ	} فَعْلٌ فعل ماضی
يَفْعَلُ	عَلِمَ --- يَعْلَمُ	
يَفْعَلُ	جَلَسَ --- يَجْلِسُ	
يَفْعَلُ	كَتَبَ --- يَكْتُبُ	

تمرین : فعل‌های ماضی زیر را به مضارع معادلش تبدیل کنید .

نَظَرَ — --- « جَلَسَ — --- «

بَعُدَ — --- « سَمِعَ — --- «

عَلِمُوا — --- « سَمِعْنَ — --- «

۳- فعل امر : این فعل ، دستور یا خواهشی بر انجام کاری می‌باشد .

دو نوع فعل امر داریم : الف - امر به لام (ل) ب - فعل امر حاضر

الف - فعل امر به لام (ل) : این نوع فعل امر از شش صیغه غائب و دو صیغه متکلم فعل مضارع به ترتیب زیر ساخته می‌شود :

۱- مجزوم کردن فعل مضارع
 ن --- « --- «
 حذف (ن) بجز صیغه ۶

۲- افزودن (ل) به اول فعل مضارع مجزوم

امر به لام = ل + فعل مضارع مجزوم - Translate --- « امر التزامی (باید ... به ...)

مانند : يَنْصُرُ (یاری می‌کند) - ۱ - « يَنْصُرُ - ۲ - « لِيَنْصُرَ (باید یاری بکند)

نَشْكُرُ (شکر می‌کنیم) - ۱ - « نَشْكُرُ - ۲ - « لِنَشْكُرَ (باید شکر بکنیم)

تست (عَيْنُ الْخَطَا فِي صِيَغَةِ الْأَمْرِ :

۱) لِيَعْبُدُوا ۲) لِنَذْهَبَ ۳) لِنَشْكُرُوا ۴) لِيَجْلِسْنَ

امر به لام (ل) از صیغه‌های مخاطب ساخته نمی‌شود .

ب۔ **فعل امر حاضر** : این نوع فعل امر از شش صیغہ مخاطب فعل مضارع به ترتیب زیر ساخته می شود :

۱۔ مجزوم کردن فعل مضارع

ن --- «^{ـُ} ---^{ـُ}»

حذف (ن) بجز صیغہ ۱۲

۲۔ حذف (ت) از اول فعل مضارع مجزوم

۳۔ افزودن همزه ی امر با توجه به حرکت عین الفعل

ا --- «^{ـُ} ---^{ـُ}»

ا --- «^{ـُ} ---^{ـُ}»

مانند : تَذْهَبُ (می روی) - ۱ - تَذْهَبُ - ۲ - ذَهَبُ - ۳ - ذَهَبُ (برو)

تَجْلِسُونَ (می نشینید) - ۱ - تَجْلِسُوا - ۲ - جَلَسُوا - ۳ - جَلِسُوا (بنشینید)

تَكْتُبَانِ (می نویسید) - ۱ - تَكْتُبَا - ۲ - كُتِبَا - ۳ - اُكْتُبَا (بنویسید)

نکته مهم) اگر بعد از حذف (ت) حرف اول حرکت داشته باشد نیازی به آوردن همزه امر نیست .

مانند : تَتَعَلَّمُونَ (می آموزید) - ۱ - تَتَعَلَّمُوا - ۲ - تَعَلَّمُوا (بیاموزید)

تُجَاهِدِينَ --- «جَاهِدِي (جہاد کن) تَهَبُ --- «تَهَبُ (ببخش) هَبُ --- «هَبُ (ببخش)

تمرین) از فعلهای ذیل امر حاضر بسازید و آنها را ترجمہ کنید .

تَفْتَحُونَ (باز می کنید) --- «إِفْتَحُوا (باز کنید) تَسْمَعُ (می شنوی) --- «

تَنْظُرَانِ (نگاہ می کنید) --- «تُحَافِظُونَ (حفظ می کنید) --- «

تَجْتَهِدُ (تلاش می کنی) --- «تَجْتَهِدُنَ (تلاش می کنید) --- «

تُصَدِّقِينَ (باور می کنی) --- «تَدْعُ (رها می کنی) --- «

فعل‌های فرعی : فعل‌های اصلی بالا دارای انواع مختلفی هستند که در مباحث بعد با آن‌ها آشنا می‌شویم. همچنین از فعل‌های اصلی ، فعل‌های دیگری ساخته می‌شوند که «فعل‌های فرعی» نامیده می‌شوند . و آن‌ها عبارتند از :

۱- فعل مستقبل : آموختیم که فعل مضارع هم بر زمان (حال) و هم بر زمان (آینده) دلالت می‌کند . اگر بخواهیم فعل مضارع فقط بر آینده دلالت کند ، باید به اول آن حرف (سَـ) برای آینده نزدیک و (سَوْفَ) برای آینده دور اضافه کنیم .

مانند : **يَجْعَلُ (قرار می دهد) --- سَيَجْعَلُ (قرار خواهد داد)**

Translate (در ترجمه ی فعل های مستقبل از الگوی (... خواهد) استفاده می کنیم^{۱۰} .

سَأَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ . (به زودی به دانشگاه خواهم رفت .)

سَوْفَ نَكْتُبُ وَاجِبَاتِنَا . (تکالیفمان را خواهیم نوشت .)

۲- فعل نفی : این فعل انجام نشدن کار را بیان می‌کند (خبر می‌دهد) . پس خبری است .

ماضی -- « ما + فعل ماضی	كُتِبَ (نوشت) -- « ما كَتَبَ (نوشت)	} فعل نفی ^{۱۱}
مضارع -- « لا + فعل مضارع	يَكْتُبُ (می نویسد) -- « لا يَكْتُبُ (نمی نویسد)	

ـ * فعل مضارع گاهی با حرف نفی (ما) نیز منفی می‌شود . (وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ : فقط خردمندان متذکر می‌شوند)

^{۱۰} ـ برای ساختن فعل مستقبل منفی از الگوی زیر استفاده می‌شود :

لَسْنُ + فعل مضارع منصوب = آینده‌ی منفی (... نخواه ...) یا (هرگز ... نمی ...)

لَنْ أَذْهَبَ : نخواهم رفت لَنْ نَكْتُبَ : نخواهیم نوشت

^{۱۱} ـ اگر بخواهیم فعل ما ، معنای ماضی منفی بدهد ، می‌توانیم از فرمول زیر نیز استفاده کنیم :

لَمْ + فعل مضارع مجزوم = ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی (نـ + بن ماضی + شناسه‌ها) یا (نـ + بن ماضی + هـ + شناسه‌ها)

لَمْ يَكْتُبْ : ننوشت ، ننوشته است لَمْ يَذْهَبْ : نرفت ، نرفته است

۳- **فعل نهی** : بر طلب ترک کاری دلالت می کند (با حالت دستور یا خواهش) . این فعل از تمام

صیغه های فعل مضارع به ترتیب زیر ساخته می شود :

۱- مجزوم کردن فعل مضارع

ن --- « --- »

ن --- « --- » حذف (ن) بجز صیغه ۶ و ۱۲

۲- افزودن (لا) به اول فعل مضارع مجزوم

فعل نهی = لا + فعل مضارع مجزوم

مانند : تَحْزَنُ (غصّه می خوری) - ۱ - « تَحْزَنُ - ۲ - » لا تَحْزَنُ (غُصّه نخور)

تَحْبِسُونَ (حبس می کنید) - ۱ - « تَحْبِسُوا - ۲ - » لا تَحْبِسُوا (حبس نکنید)

Translate (فعل نهی غائب و متکلم در هنگام ترجمه باید بصورت امر منفی التزامی ترجمه شود .

ترجمه ی فعل نهی غائب و متکلم : (نباید به)

يَسْبِقُ : سبقت می گیرد --- « لا يَسْبِقُ : نباید سبقت بگیرد

قالَ عَلَيَّ (ع) : اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ ! لا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ .

خدا را خدا را در مورد قرآن (مد نظر داشته باشید) ! دیگران نباید در عمل به آن بر شما سبقت بگیرند .

تمرین (از فعل های زیر فعل نهی بسازید سپس آن ها را ترجمه کنید :

تُخَالِفُ (مخالفت می کنی) « --- »

تَسْجُدُونَ (سجده می کنید) « --- »

تَكْتُبِينَ (می نویسی) « --- »

تَتَكَاثَلْنَ (تنبلی می کنید) « --- »

تفاوت فعل نهی با فعل نفی مضارع :

الف - از نظر معنی : فعل نهی برعکس فعل امر است (یعنی طلبی « دستور یا خواهش » است) .

ولی فعل نفی بر انجام نشدن کار دلالت می کند (یعنی خبری است) .

ب - از نظر ظاهری : فعل نهی مجزوم است ولی فعل نفی مضارع ساده است .

لا تَذْكُرُ (بیاد نمی آوری) -- فعل نفی
 تَذْكُرُ (بیاد می آوری)
 لا تَذْكُرُ (بیاد نیاور) -- فعل نهی

لا تَجْعَلُ الْكِتَابَ فِي مَحْفَظَتِكَ . (کتاب را در کیفیت قرار نده .)

لا تَجْعَلُ التَّلْمِيزَاتُ الْكِتَابَ فِي مَحْفَظَتِهِنَّ . (دانش آموزان کتاب را در کیف هایشان قرار نمی دهند .)

تمرین : در آیات شریفه‌ی زیر مشخص کنید که فعل جمله نهی است یا نفی :

۱ - * وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ ... * و حق را با باطل نیامیزید !

۲ - * وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ *

و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید!

طریقه‌ی تبدیل فعلهای فارسی به عربی

۱ - تعیین نوع و زمان فعل : دقت می‌کنیم از نظر معنایی آن فعل با کدام یک از فعلهای اصلی (ماضی -

مضارع - امر) یا فعلهای فرعی (مستقبل - نهی - نفی) مطابقت دارد .

۲ - تشخیص صیغه : از راه تشخیص (مفرد ، مثنی ، جمع) و نیز (مذکر ، مؤنث) بودن کننده کار

مانند : نوشتیم = زمان گذشته (فعل ماضی) - سخن گو ، جمع (متکلم مع الغیر)

۳ - استفاده از جدول : برای تعیین وزن فعل

۴ - جاگذاری و اعمال تغییرات

نوشتیم = فعل ماضی ، متکلم مع الغیر (بر وزن فَعَلْنَا) = كَتَبْنَا

تمرین : فعلهای زیر را به عربی بنویسید .

آن مردان می روند . (جمع)	(۱) فعل مضارع
	(۲) جمع مذکر غائب (صیغه ۳)
	(۳) یَفْعَلُونَ
	(۴) یَذْهَبُونَ
	یَذْهَبُونَ
	هُمْ یَذْهَبُونَ .
	أُولَئِكَ الرِّجَالُ یَذْهَبُونَ .
	یَذْهَبُ أُولَئِكَ الرِّجَالُ .

شما زنان یاری کردید . (جمع)	(۱) فعل ماضی
	(۲) جمع مؤنث مخاطب (صیغه ۱۲)
	(۳) فَعَلْتُنَّ
	(۴) « نَصَرْتُنَّ » یا « أَنْتُنَّ نَصَرْتُنَّ »
نَصَرَ (ـُ)	

قبول شدم .	(۱) فعل ماضی
	(۲) متکلم وحده (صیغه ۱۳)
	(۳) فَعَلْتُ
نَجَحَ (ـَ) / فاز (ـُ)	(۴) « نَجَحْتُ » یا « أُنَا نَجَحْتُ » / « فُزْتُ » یا « أُنَا فُزْتُ »

می نویسیم .	(۱) فعل مضارع
	(۲) متکلم مع الغیر (صیغه ۱۴)
	(۳) نَفْعُلُ
کَتَبَ (ـُ)	(۴) « نَكْتُبُ » یا « نَحْنُ نَكْتُبُ »

اجازه خواهیم داد .	(۱) فعل مستقبل (سَ / سَوْفَ + فعل مضارع)
	(۲) متکلم مع الغیر (صیغه ۱۴)
	(۳) نَفْعُلُ
سَمَحَ (ـَ)	(۴) « سَنَسْمَحُ » یا « سَوْفَ نَسْمَحُ »

* جدول زیر را با تمام حرکات فعل‌هایش به خاطر بسپارید *

ضمایر متصل	ماضی	ماضی منفی	مضارع	مضارع منفی	نهی	امر	ضمایر منفصل
هُوَ	ذَهَبَ	مَا ذَهَبَ	يَذْهَبُ	لَا يَذْهَبُ	لَا يَذْهَبُ	لِيَذْهَبْ	هُ
هُمَا	ذَهَبَا	مَا ذَهَبَا	يَذْهَبَانِ	لَا يَذْهَبَانِ	لَا يَذْهَبَا	لِيَذْهَبَا	هُمَا
هُمْ	ذَهَبُوا	مَا ذَهَبُوا	يَذْهَبُونَ	لَا يَذْهَبُونَ	لَا يَذْهَبُوا	لِيَذْهَبُوا	هُمْ
هِيَ	ذَهَبَتْ	مَا ذَهَبَتْ	تَذْهَبُ	لَا تَذْهَبُ	لَا تَذْهَبُ	لَتَذْهَبْ	هَا
هُمَا	ذَهَبَتَا	مَا ذَهَبَتَا	تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَا	لَتَذْهَبَا	هُمَا
هُنَّ	ذَهَبْنَ	مَا ذَهَبْنَ	يَذْهَبْنَ	لَا يَذْهَبْنَ	لَا يَذْهَبْنَ	لِيَذْهَبْنَ	هُنَّ
أَنْتَ	ذَهَبْتَ	مَا ذَهَبْتَ	تَذْهَبُ	لَا تَذْهَبُ	لَا تَذْهَبُ	إِذْهَبْ	كَ
أَنْتَما	ذَهَبْتُمَا	مَا ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَا	إِذْهَبَا	كُما
أَنْتُمْ	ذَهَبْتُمْ	مَا ذَهَبْتُمْ	تَذْهَبُونَ	لَا تَذْهَبُونَ	لَا تَذْهَبُوا	إِذْهَبُوا	كُمْ
أَنْتِ	ذَهَبْتِ	مَا ذَهَبْتِ	تَذْهَبِينَ	لَا تَذْهَبِينَ	لَا تَذْهَبِينَ	إِذْهَبِي	كِ
أَنْتَما	ذَهَبْتُمَا	مَا ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَانِ	لَا تَذْهَبَا	إِذْهَبَا	كُما
أَنْتُنَّ	ذَهَبْتُنَّ	مَا ذَهَبْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	لَا تَذْهَبْنَ	لَا تَذْهَبْنَ	إِذْهَبْنَ	كُنَّ
أَنَا	ذَهَبْتُ	مَا ذَهَبْتُ	أَذْهَبُ	لَا أَذْهَبُ	لَا أَذْهَبُ	لَا أَذْهَبُ	ي
نَحْنُ	ذَهَبْنَا	مَا ذَهَبْنَا	نَذْهَبُ	لَا نَذْهَبُ	لَا نَذْهَبُ	لِنَذْهَبْ	نَا

فعل‌های فرعی مهم دیگری نیز وجود دارند که در آینده با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

فرمول‌های طلایی

- قَدْ + فعل ماضی «---» ماضی نقلی (بن ماضی + ه + فعل ربطی)
- قَدْ + فعل مضارع «---» مضارع به وجه التزامی (گاهی ... می ...) یا (شاید ... ب ...)
- كَانَ + فعل ماضی «---» ماضی بعید (بن ماضی + ه + بود + شناسه)
- كَانَ + قَدْ + فعل ماضی «---» ماضی بعید (بن ماضی + ه + بود + شناسه)
- كَانَ + فعل مضارع «---» ماضی استمراری (می + بن ماضی + شناسه)
- سَـ یا سَوْفَ + فعل مضارع «---» آینده‌ی مثبت (... خواهد ...)
- لَنْ + فعل مضارع منصوب «---» آینده‌ی منفی (... نخواهد ...)

حروف اصلی و زائد در کلمات :

گاهی اوقات لازم می شود که حروف اصلی یک کلمه را بدانیم . برای این کار می توانیم از روش های زیر استفاده کنیم :

الف - در اسمها : برای پیدا کردن حروف اصلی در اسمها دو روش وجود دارد :

۱ - چند کلمه هم خانواده برای آن پیدا می کنیم و حروف مشترک بین آنها را جدا می کنیم ، این حروف مشترک را حروف اصلی می گویند. مانند کلمه (مکتوب) که کلمات (کاتب ، مکتب ، کتاب ، کتابه و ...) با آن هم جنس هستند . با مقایسه ی این کلمات با هم درمی یابیم که سه حرف (ک،ت،ب) در همه ی کلمات ذکر شده وجود دارند . پس سه حرف (ک،ت،ب) جزء حروف اصلی هستند و در کلمه (مکتوب) دو حرف (م ، و) جزء حروف زاید هستند .

۲ - وزن آن کلمه را بر حسب (ف - ع - ل) پیدا می کنیم. حرفی که روبروی این حروف باشند ، حروف اصلی هستند و حرف های دیگر جزء حروف زاید هستند . مانند:

شَهِید	مَشْهُور	کاتب
فَعِل	مَعُول	فَاعِل

پس در کلمه (کاتب) سه حرف (ک،ت،ب) و در (مشهور) سه حرف (ش،ه،ر) و در (شهید) سه حرف (ش،ه،د) جزء حروف اصلی و بقیه حروف زاید هستند.

ب - در فعلها: برای پیدا کردن حروف اصلی وزاید در فعلها باید ابتدا «اولین صیغه ی ماضی آن فعل» را پیدا کنیم . حرفی که در مقابل حروف (ف،ع،ل) قرار می گیرند جزء حروف اصلی و بقیه جزء حروف زاید هستند . (ف : فاء الفعل / ع : عين الفعل / ل : لام الفعل)

۱ - پیدا کردن چند هم خانواده و جدا کردن حروف مشترک	} در اسمها	} پیدا کردن حروف اصلی
۲ - پیدا کردن وزن کلمه بر حسب (ف ع ل)		
در فعلها --- « ۱ - حتماً باید / اولین صیغه ماضی فعل ^۱ را پیدا کنیم .		

^۱ - در صفحه بعد روش پیدا کردن اولین صیغه ماضی توضیح داده شده است .

پیدا کردن اولین صیغه ماضی فعل‌ها

۱ - وزن تقریبی فعل را از روی جدول صرف فعل‌ها^۱ پیدا می‌کنیم .

۲ - ضمایر چسبیده به فعل‌ها^۲ و بعد از آن را حذف می‌کنیم .

۳ - الف / اگر فعل ما مضارع باشد حرف اول را نیز حذف می‌کنیم .

ب / اگر فعل ما ماضی باشد نیازی به حذف حرف اول نداریم .

(حرف زائد ندارد)

مثال برای فعل مضارع (يَرْجِعُونَ --- « يَرْجِعُ --- « رَجَعَ

اولین صیغه ماضی

(حرف زائد ندارد)

مثال برای فعل ماضی (ذَهَبْنَا --- « ذَهَبَ --- « ذَهَبَ

اولین صیغه ماضی اولین صیغه ماضی

تمرین (در فعلهای زیر حروف اصلی و زائد را مشخص کنید .

سَمِعْتُمْ --- « سَمِعَ --- « سَمِعَ
مانند ذَهَبْتُمْ

أَرْسَلْنَا --- « أَرْسَلَ --- « أَرْسَلَ
مانند ذَهَبْنَا

يَصْدُقُونَ --- « يَصْدُقُ --- « صدق
مانند يَذْهَبُونَ

يُصَدِّقُونَ --- « يُصَدِّقُ --- « صَدَّقَ
مانند يَذْهَبُونَ

يَتَصَدَّقُونَ --- « يَتَصَدَّقُ --- « تَصَدَّقَ
مانند يَذْهَبُونَ

يُجَاهِدُونَ --- « يُجَاهِدُ --- « جَاهَدَ
مانند يَذْهَبُونَ

إِسْتَخْرَجْتَنِي --- « إِسْتَخْرَجَ --- « إِسْتَخْرَجَ
مانند ذَهَبْتَنِي

^۱ - جدول صفحه ۱۹

^۲ - ضمایری که در جدول صفحه ۱۹ ، با فونت و سایز متفاوت مشخص شده اند .

اسامی اشاره :

هرگاه بخواهیم به چیزی یا کسی اشاره کنیم از اسامی اشاره استفاده می‌شود. به اسم معرف به ال که بعد از اسامی اشاره می‌آید، (مشارئله) گفته می‌شود. اسم اشاره با مشارئله بعد از خود از لحاظ جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) و نیز از لحاظ تعداد (مفرد، مثنی و جمع بودن) مطابقت دارد.

نزدیک	دور				
هذا	ذَٰلِكَ (ذَاكَ)	مفرد	مذكر	اسامی اشاره برای اشیاء و اشخاص	
هذان - هذین	ذَانِكَ - ذَینِكَ	مثنی			
هؤلاء	أُولَئِكَ	جمع			
هذه	تلكَ	مفرد	مؤنث		
هاتان - هاتین	تَانِكَ - تَینِكَ	مثنی			
هؤلاء	أُولَئِكَ	جمع			

هذان المُعَلِّمان	أولئك المُمَرِّضات	مانند :
اسم اشاره مشارئله	اسم اشاره مشارئله	
(مثنی مذکر)	(جمع مؤنث)	

نکته ۱) اگر مشارئله بصورت جمع غیر عاقل (غیر انسان) و یا جمع مکسر غیر عاقل بیاید، اسم اشاره

هذه	}	بصورت مفرد مؤنث می‌آید. مانند :
تلك		
مفرد مؤنث		
الْكُتُب...		
مشارئله		

بصورت جمع مکسر غیر عاقل

جمع غیر عاقل = مفرد مؤنث (فعل، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول، صفت، حال)

نزدیک ؛ هُنا - هُنَا	اینجا	اسمهای اشاره به مکان
دور ؛ هُنَاكَ - هُنَاكَ	آنجا	

التمرین (التمرین الأول : ترجم هذه الجملة ، واكتب نوع الأفعال .

۱ - اكتب رسالتك : نامهات را بنویس .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۲ - لا تكتب على الجدار : بر روی دیوار ننویس .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۳ - اكتبوا واجباتكم : تکالیفتان را بنویسید .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۴ - هُنَّ لا يَكْتُبنَ بِسرعةٍ : آن‌ها به سرعت نمی‌نویسند .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۵ - سأكتبُ درسی : درس را خواهم نوشت .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۶ - إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أبحاثاً : یقیناً ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۷ - ما كَتَبْتُمُ تمارينكم : تمرین‌هایتان را ننوشتید .

نوع فعل و صیغه ی آن :

۸ - كانوا يَكْتُبونَ بِدَقَّةٍ : با دقت می‌نوشتند .

نوع فعل و صیغه ی آن :

اَلْتَّمَرِینُ الثَّانِی: ضَعْ فِی الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. « کَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً ». .
 تمرین دوم : در دایره عدد مناسب را بگذار (قرار بده) . « یک کلمه اضافیست » .

- ۱ - اَلشَّرَرَةُ ○ مِنِ الْأَحْجَارِ الْجَمِیلَةِ الْغَالِیَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْیَضِ .
 أخگر (پاره‌ی آتش) از سنگ‌های زیبای گرانبیست دارای رنگ سفید
- ۲ - اَلشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً ، فِیْهَا ضِیَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ .
 خورشید پاره‌ی آتش آن فروزان است ، روشنایی در آن است و به وسیله‌ی آن حرارتی پراکنده می‌شود .
- ۳ - اَلْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ یَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِیَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ .
 ماه ستاره‌ای است که پیرامون زمین می‌چرخد ؛ روشنایی‌اش از خورشید است .
- ۴ - الْأَنْعُمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِی السَّمَاءِ یَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ .
 نعمت‌ها بخاری متراکم در آسمان است که باران از آن می‌بارد (نازل می‌شود) .
- ۵ - اَلْغِیمُ ○ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِیَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ .
 ابر از لباس‌های زنانه است دارای رنگ‌های مختلف .
- ۶ - اَلْفُسْتَانُ ○ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ .
 جامه و روپوش زنانه تکه‌ای از آتش
- ۷ - اَلذَّرَرُ ○
 مرواریدها

اَلْتَّمَرِینُ الثَّالِثُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِیْبَ فِی مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ .
 تمرین سوم : این جملات و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده .

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ / هَذَا الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَارِیَّةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ أَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَارِیَّةُ	هَذَا الدَّلِيلَانِ	هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ	أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ .	هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باطری	این دو دلیل	این دو شیشه	آن درستکاران	این‌ها پیروزند .	این دوستان

الْتَّمَرِینُ الرَّابِعُ: اُکْتُبْ وَزْنَ الْکَلِمَاتِ التَّالِیَةِ وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِیَّةَ.
تمرین چهارم: وزن کلمات زیر و حروف اصلی آنها را بنویس.

۱- ناصِر، مَنصُور، أنصار: فاعل، مفعول، أفعال، «ن ص ر»

۲- صَبَّار، صَبُور، صابر: فَعَّال، فَعُول، فاعِل، «ص ب ر»

الْتَّمَرِینُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِی الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠
تمرین پنجم: مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده.

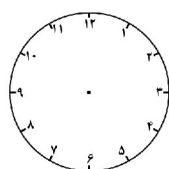
ضیاء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجدِّ

نور، روشنائی / خوابید / پیروز / خوشحال / نزدیک / زیبا / پایان / راست / گران / خریدن / مجاز / تلاشگر

رَخِیصَة ≠ غَالِیَة	راسِب ≠ ناجِح	یَسَار ≠ یَمِین	حَزین ≠ مَسرور
بِیع ≠ شِراء	بِدَايَة ≠ نِهَائِیَة	بَعِید ≠ قَرِیب	مُجْتَهِد = مُجَدِّ
رَقَدَ «بستری شد، خوابید» = نام	قَبِیح ≠ جَمِیل	نور = ضیاء	مَمْنوع ≠ مَسْموح

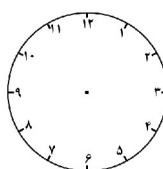
الْتَّمَرِینُ السَّادِسُ: ارْسُمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.

تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن. (در امتحانات عقربه ساعت شمار را کوتاه‌تر و درشت‌تر و عقربه دقیقه شمار را بلندتر و نازک‌تر بکشید.)



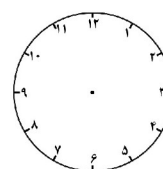
الْسَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا

یک ربع به شش



الْثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

پنج و ربع

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

(وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا) آل عمران: ۱۹۱

جستجو « پژوهش » علمی

در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جملاتی به زبان عربی پیرامون عظمت آفریده‌های خداوند بگرد، سپس آن را با استفاده از لغت‌نامه‌ی عربی - فارسی ترجمه کن .

و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند ، [و می‌گویند :] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛

نمونه‌ای از پژوهش کتابخانه‌ای :

وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ عَجَائِبِ الصَّنْعِ وَ بَدَائِعِ الْفِطْرَةِ وَ آثَارِ الْقُدْرَةِ، معتبرین بذلك، موقنین أنه من صنع إله قادر حكيم، ثم يعترفون بوحدانيته و قدرته فيقولون: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا أَى هذه الخلقة البديعة التي تتحير فيها العقول ليست باطلة، و لا هي هذر و هدر بلا حكمة و لا مصلحة و لا غاية، بل لها مصالح كثيرة، منها كونها دليلا على كمال قدرتك، و حجة ظاهرة على وحدانيتك، بل من أسرارها هذا الإنسان العجيب الصنع الذى خلقته فى أحسن تقويم.

و نحن لم نذكر الإنسان - بالمناسبة - إلّا لأن خلق السماوات و الأرض و ما فيهما و ما بينهما مقدمة و معلول لوجود أشرف، و هو الإنسان. فهو علة غائية لما سوى الله تعالى. و من خواص العلة الغائية أنها فى مرحلة الإيجاد متأخرة عن معاليلها فى مقام التصوّر، مقدمة على عكس ما سواها من العلل حيث إنها مقدّمة على معلولاتها فى الصورتين و فى المرحلتين، فلا بدّ من إيجاد عالم التكوين أولا ليترب عليه خلق الإنسان. و لما كان هذا الخلق يضاف إلى قادر حكيم بصير واجد لأوصاف الجلال و الجمال أتمّها و أكملها، فينبغى أن يجعل مصنوعات و مكوّناته على أحسن النظام و أجوده كما و كيفا حتى لا يتطرّق إليه أدنى نقص و زيادة عند أعقل عقلاء عالم الوجود و أعرفهم بالأمر المدنيّة و انتظام الجامعة التكوينية، فيدل النظام - بجامعيّته و تدبير مدبره - على معرفة ذاته: القادر الحكيم، و الصانع العالم الخبير، حيث إن هذا الخلق - طبق هذا النظام البديع الدقيق - خارج عن طوق البشر و من سواه.

و فى الآية إشارة إلى أن الأفعال القبيحة - كالظلم، و الضلالة، و الكفر، و الشّرك - ليست بمخلوقة له سبحانه، لأنها من الباطل و هو غير مخلوق منه تعالى ...

(سبزواری، محمد. «۱۴۰۶ هـ. ق». الجديد فى تفسير القرآن المجيد. ج. ۲: ۲۱۷ - ۲۱۶. لبنان - بيروت: دار التعارف

للمطبوعات)